

## سطح مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه استان کردستان

حسن غریبی \*

زلیخا قلی‌زاده \*\*

**چکیده:** هدف این پژوهش بررسی میزان برخورداری دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه از مهارت‌های زندگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل همه دانش‌آموزان دختر و پسر راهنمایی و متوسطه استان کردستان بود که از بین آنان ۷۰۰ نفر به عنوان نمونه آماری از سه شهر سنقر، بانه و مریوان به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش در این بررسی پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته بود که پایایی آن براساس آلفای کراباخ  $\alpha = 0/40$  محاسبه و روایی آن به شیوه روایی محتوا براساس نظر اساتید صاحب‌نظر مورد تأیید قرار گرفت. این پرسش‌نامه ۵ مهارت تصمیم‌گیری، ارتباط انسانی، شهروندی جهانی بودن، شهروندی مسئول بودن و حل مسئله را در برمی‌گیرد. تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان داد که میزان برخورداری دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه از مهارت‌های مذکور حدوداً در سطح متوسط (براساس شاخص ۵۰٪) می‌باشد. بالاترین میزان برخورداری دانش‌آموزان در مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله و پایین‌ترین میزان برخورداری آنان در ارتباط انسانی می‌باشد سطح مهارت‌های آنان در دو مهارت شهروندی مسئول و شهروندی جهانی نیز در حد متوسط این دو مهارت بود. میزان برخورداری دختران از مهارت‌های زندگی در همه موارد بیشتر از پسران بود. تأثیر تعاملی تحصیلات والدین بر میزان برخورداری آنان از مهارت‌های زندگی معنی‌دار نبود. بجز مهارت ارتباط انسانی در سایر مهارت‌ها تفاوت معنی‌داری بین رشته‌های تحصیلی وجود دارد. فقط در دو مهارت تصمیم‌گیری و شهروندی مسئول تفاوت بین دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه معنی‌دار است در سایر مهارت‌ها، تفاوت معنی‌دار نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: دانش‌آموز، راهنمایی، متوسطه، مهارت‌های زندگی.

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنقر hgharibi555@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری علوم اعصاب شناختی دانشگاه تبریز zgholizadeh237@yahoo.com

## مقدمه

مهارت‌های زندگی آن نوع از توانایی‌های شناختی، عاطفی و عملی است که برای موفقیت و احساس شادمانی در زندگی روزمره، معمولی و عادی مورد نیاز می‌باشد، و اهداف آموزش این مهارت‌ها از الزامات و نیازهای روزمره زندگی استخراج می‌گردد (استنتن<sup>۱</sup> و دیگران، ۱۹۸۰، پیت من<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱، سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۴). از مهارت‌های زندگی برداشت‌های گوناگونی شده است که وجه مشترک بیشتر آنها تأکید بر مقوله‌های زیر است: مهارت‌های حل مسأله - مهارت‌های اجتماعی مقابله با هیجانات منفی و استرس - مهارت‌های تصمیم‌گیری - تفکر خلاق و نقادانه، خودآگاهی و خودکنترلی - ابراز وجود - آگاهی حرفه‌ای - شهروند مسئول و شیوه‌های مصرف (بابادی<sup>۳</sup>، ۱۳۸۰). سازمان بهداشت جهانی<sup>۴</sup>، مهارت‌های زندگی را توانایی رفتار سازگارانه مثبت، آنگونه که ما را به مقابله مؤثر با الزامات و مقتضیات زندگی روزمره قادر نماید، تعریف می‌کند. تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه‌های زندگی، باعث شده است بسیاری از افراد در رویارویی با مسایل زندگی، فاقد توانایی‌های لازم و اساسی شوند و در مواجهه با مسایل و مشکلات زندگی روزمره آسیب‌پذیر گردند. در این بین دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه به لحاظ شرایط خاص دوره نوجوانی و بلوغ ویژگی‌های منحصر به فرد و خاصی دارند. امروزه بخش قابل توجهی از برنامه‌های رسمی نظام آموزشی دنیا به آموزش مهارت‌های زندگی اختصاص یافته است (ادیب، ۱۳۸۲). براساس تحقیقات انجام شده این واقعیت مشهود است که هر ساله میزان افت تحصیلی، افزایش یافته و کیفیت آموزشی در معرض تهدید قرار گرفته و همچنین بسیاری از دانش‌آموزان در معرض اضطراب هستند و مواردی نیز دست به گریبان انواع بیماری‌های روانی و به تبع ناتوان در حل مشکلات و گرفتارشدن در دام سوء مصرف مواد مخدر، تمایلات ارتکاب به خودکشی و ... می‌باشند. از این رو اهمیت و ضرورت شناسایی مهارت‌های زندگی مورد نیاز دانش‌آموزان دوره‌های راهنمایی و متوسطه می‌باشد و اهمیت میزان آشنایی آنها با مهارت‌های زندگی از این جهت است که این دوره از یک طرف ورود و استمرار دوره‌ی نوجوانی است که دوره بحرانی نامیده می‌شود و از طرف دیگر مهم این است که چگونه به هویت اجتماعی خود پی ببرند و چگونه به خودشناسی برسند و نیز در زندگی اجتماعی با تغییرات گوناگون به طور مؤثر مواجه شوند و مشکلات زندگی خود را حل نمایند. از این رو شناسایی مهارت‌های زندگی

1- Stanton

2- Pittman

3- babadi

4- World Health Organization (WHO)

مورد نیاز دانش‌آموزان این دوره، اطلاعات اساسی را برای تدوین برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی فراهم می‌سازد و ما را در ارائه آموزش‌هایی در جهت بهبود زندگی فردی و توانمندسازی شهروندان آینده یاری می‌کند. استفاده از داده‌های مبتنی بر نظرات معلمان و دانش‌آموزان، ما را در شناخت اهداف ضروری از غیرضروری در برنامه‌های آموزشی یاری می‌کند (کلینکه،<sup>۱</sup> ۱۳۸۲).

با وجود تلاش‌های آموزش و پرورش ایران در زمینه آماده سازی دانش‌آموزان برای داشتن یک زندگی سالم و سازگارانه، متأسفانه آنها از نظر شاخص‌های کسب مهارت‌های زندگی دچار مشکلاتی در زندگی می‌باشند. از آنجا که کنترل عوامل برون سازمانی خارج از توان آموزش و پرورش بوده و آموزش و پرورش تنها با کنترل عوامل درون سازمانی (شیوه‌های آموزشی، محتوای کتب، کنش‌های مدیران و مسئولان، گنجاندن مسائل و مباحث مرتبط با زندگی و مهارت‌های اجتماعی و...) می‌تواند زمینه‌های ارتقای سطح مهارت‌های زندگی و افزایش و توان دانش‌آموزان را در مقابله مؤثر و منطقی با چالش‌های موجود فراهم نماید. از نظر سازمان یونسف<sup>۲</sup> عناصر مهارت‌های زندگی عبارتند از: الف) مهارت‌ها، ب) محتواها، ج) روش‌ها. اگر بخواهیم مهارت‌های میان‌فردی و روانی - اجتماعی موفق عمل نمایند باید هر سه عنصر «مهارت‌های زندگی، محتوا و روش، با هم نقش ایفا نمایند. پیک لسیمر<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۹۸) برای مهارت‌های زندگی چهار بعد کلی مشخص کرده‌اند؛ که هر یک از این ابعاد دارای اجزا و مؤلفه‌هایی است: ۱- ارتباط بین فردی/ ارتباط انسانی؛ که مشارکت فرد در فعالیت‌های اجتماعی، برقراری روابط صمیمی بین فردی، همدلی، بیان واضح و روشن تفکرات، و ارتباطات غیرکلامی را در بر می‌گیرد. نتیجه این ارتباطات افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس است. ۲- حل مسأله/ تصمیم‌گیری اجتماعی؛ که تشخیص مسأله، ارزیابی و تحلیل اطلاعات، انتخاب راه‌حل‌ها، تدوین هدف، و برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف است. ۳- رعایت بهداشت/ سلامتی بدن: توجه به شیوه‌های مطلوب تغذیه، کنترل وزن، آراستگی ظاهر، فعالیت‌های اوقات فراغت، کنترل فشار روحی و جنبه‌های فیزیولوژیکی مسایل جنسی، اجزای این بعد از مهارت‌ها هستند. ۴- داشتن هدف در زندگی/ رشد هویت: که حوزه‌های فرعی همچون آگاهی از هویت شخصی، افزایش و نگهداری عزت‌نفس، واضح‌سازی ارزش‌ها، رشد معنا در زندگی، رعایت جنبه‌های اخلاق مربوط به اعمال جنسی و نقش‌های جنسیتی را شامل می‌گردد. مهارت‌های «والدین‌بودن» و «پیشگیری از حاملگی

در دوره نوجوانی<sup>۱</sup> در دست‌بندی کرایزر<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) در کنار سایر مهارت‌های زندگی به چشم می‌خورد. دوماس<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) در کنار مهارت‌های تفکر پیچیده، مشارکت و همکاری و ارتباط مؤثر، مهارت‌های استفاده از تکنولوژی اطلاعات، شهروند مسئول بودن و قابلیت‌های حرفه‌ای را مورد تأکید قرار داده است. دلور<sup>۳</sup> (۱۳۷۵) و لینچ<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) در آثار خود مهارت «شهروند جهانی بودن»<sup>۵</sup> که دارای مؤلفه‌هایی همچون فهم و قدردانی از تعامل فرهنگی، بروز مسئولیت‌های جهانی، تلاش برای صلح و آشنایی با حقوق بشر است، مورد تأکید قرار داده‌اند. مؤسسه بین‌المللی لاینز کوئیست<sup>۶</sup> برنامه‌هایی برای آموزش مهارت‌های زندگی تدارک دیده که عمدتاً همان مهارت‌هایی هستند که سازمان جهانی بهداشت و پیک لسیمر مطرح نموده‌اند (به نقل از ادیب و فردانش، ۱۳۸۲). ایالت تگزاس<sup>۷</sup> آمریکا (۱۹۹۷) مهارت‌های رشد شخصی، سلامتی و تندرستی، شهروندی، مهارت‌های ارتباطی و بین فردی، مصرف‌کنندگی، قابلیت‌های حرفه‌ای و والدین بودن را به عنوان مهارت‌های زندگی در پایه‌های ۶ الی ۱۲ (متوسطه اول و دوم) به تدریس می‌گذارد. ادیب و فردانش (۱۳۸۲) با مقایسه، تطبیق و تحلیل مهارت‌های زندگی مطرح شده در نظریه‌های متخصصان و صاحب‌نظران و نیز نظام‌های آموزشی دیگر کشورها ۱۵ مهارت زندگی و مؤلفه‌های مربوط به آنها را در یک رویکرد بین‌المللی به شرح زیر استنتاج نموده‌اند: ۱- مهارت حل مسأله اجتماعی ۲- مهارت تصمیم‌گیری ۳- مهارت‌های ارتباطی ۴- روابط بین فردی ۵- بهداشت و سلامت جسمی و روانی ۶- خودآگاهی و داشتن هدف در زندگی ۷- تفکر خلاق و انتقادی ۸- شهروند مسئول بودن ۹- شهروند جهانی بودن ۱۰- قابلیت‌های حرفه‌ای ۱۱- مشارکت و همکاری ۱۲- اداره زندگی ۱۳- رعایت و بکارگیری نکات ایمنی ۱۴- استفاده از تکنولوژی اطلاعات ۱۵- مهارت‌های پدر و مادر بودن. به نظر ایشان پانزده مهارت ذکر شده گستره مهارت‌های زندگی را در جامع‌ترین شکل نشان می‌دهند که به دلیل کثرت و تنوع هم سنخ نیستند. توزیع هر یک از مهارت‌های زندگی در دیدگاه‌های صاحب‌نظران و نظام‌های آموزشی یکسان نیست به طوری که برخی از صاحب‌نظران و نظام‌های آموزشی یکسان نیست به طوری که برخی از آنها وجه مشترک همه دیدگاه‌ها هستند و برخی نیز توسط چند صاحب‌نظر مطرح شده‌اند.

1- Dumas

2- Dlover

3- Lynch

4- World citizenship

5- Lions – Quest

6- Texas

تحقیقات انجام شده به روی آموزش مهارت‌های زندگی در ایران نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های زندگی در صحنه عمل چندان مورد تأکید قرار نگرفته و میزان دستیابی دانش‌آموزان به مهارت‌های زندگی، فقدان یا کمبود آن را نشان می‌دهند (رمضانخانی و سیاری، ۱۳۷۸). گلمن<sup>۱</sup> ۱۹۹۵ (به نقل از میرمحمدی، ۱۳۸۴) توصیه می‌کند که مهارت‌های زندگی را از دوره‌ی پیش دبستانی به کودکان آموزش بدهیم. او معتقد است وقتی کودکان بدانند که چگونه خشم خود را مهار کنند و بدانند که می‌توانند به جای خشونت از کلام استفاده کنند، خشونت در مدارس کمتر می‌شود، وقتی جوانان ما بتوانند در مقابل فشار همسالان نه بگویند و در واقع این مهارت را یاد گرفته باشند، در آینده مشکلات روی آوردن به مواد مخدر و حاملگی‌های ناخواسته و فرار دختران از خانه و مدرسه در میان نوجوانان را کمتر شاهد خواهیم بود. بورنشتاین<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود نشان داد که یکی از شاخص‌های مهم سلامت روانی، توانایی حل مسأله و تصمیم‌گیری است حل مسأله و تصمیم‌گیری از مهارت‌های اساسی زندگی می‌باشند که در صفحات قبل توضیح داده شدند. گلمن (۱۹۹۵) ضمن مهم‌شمردن هوش‌شناختی و هیجانی معتقد است که هوشبهر (IQ) در بهترین حالت خود، فقط عامل ۲۰٪ از موفقیت‌های زندگی است، ۸۰٪ موفقیت‌ها به مهارت‌هایی مربوط می‌شوند که هوش هیجانی را تشکیل می‌دهند. تحقیقات متعددی نشان می‌دهند که نظام آموزشی ایران چندان در آموزش مهارت‌های زندگی توفیق نداشته است (فرزام‌نیا، ۱۳۸۱، میرزاده، ۱۳۸۱، کرامتی، ۱۳۸۲). راهبردهای مقابله‌ای غیر مؤثر و ناکارآمد و بخصوص راهبردهای نامرتب با تکلیف (انجام هر کاری به غیر از آماده‌شدن برای امتحان) رابطه‌ی معناداری با اضطراب امتحان، عملکرد تحصیلی پایین، عدم رضایت و شکست تحصیلی دارد (نورمی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷). هارتاپ<sup>۴</sup> ۱۹۹۰ در بررسی رابطه‌ی بین سازش اجتماعی و پیشرفت تحصیلی به روی کودکان چینی به این نتیجه دست یافت که پیشرفت تحصیلی و سازش اجتماعی به روی یکدیگر تأثیر متقابل دارند (به نقل از احقر، ۱۳۸۲). در مطالعه‌ی پارسونز<sup>۵</sup> و همکاران ۱۹۸۸ مشخص شد که در اثر آموزش مهارت‌های زندگی رابطه‌ی معلمان و دانش‌آموزان بهتر و رفتار شاگردان در کلاس درس سازگارانه‌تر شد.

باتوجه به اهمیت میزان آشنایی دانش‌آموزان با مهارت‌های زندگی به‌منظور شناسایی نیازهای اولویت‌دار، نقاط ضعف و قوت و گردآوری اطلاعات لازم برای طراحی و تدوین برنامه‌های واقع

بینانه و اثربخش، مسأله‌ی اساسی پژوهش حاضر بررسی میزان برخورداری دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه از مهارت‌های زندگی بوده است. از این‌رو هدف کلی پژوهش حاضر بررسی میزان برخورداری دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه استان کردستان از مهارت‌های زندگی بوده است. مهارت‌های زندگی مورد بررسی در این پژوهش پنج مهارت تصمیم‌گیری، ارتباط انسانی، شهروند جهانی‌بودن، شهروند مسئول بودن و مهارت حل مسأله است. در این ارتباط شش سؤال اصلی پژوهش به شرح زیر طراحی و بررسی شده است: ۱- دانش‌آموزان دوره راهنمایی تا چه اندازه از مهارت‌های زندگی برخوردار هستند؟ ۲- دانش‌آموزان متوسطه تا چه اندازه از مهارت‌های زندگی برخوردار هستند؟ ۳- آیا میزان برخورداری دانش‌آموزان از مهارت‌های زندگی برحسب تحصیلات والدینشان متفاوت است؟ ۴- آیا بین دانش‌آموزان دختر و پسر در میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی تفاوتی وجود دارد؟ ۵- آیا بین دانش‌آموزان متوسطه و راهنمایی در میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی تفاوتی وجود دارد؟ ۶- آیا بین دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تحصیلی از نظر میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟

## روش

### جامعه آماری، نمونه آماری و تعیین حجم نمونه

جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه و راهنمایی استان کردستان در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ تشکیل می‌دهد. که تعداد کل دانش‌آموزان دوره متوسطه ۱۰۱۰۰۰ و تعداد کل دانش‌آموزان دوره راهنمایی ۸۴۰۰۰ نفر است. نمونه آماری این پژوهش ۷۰۰ نفر می‌باشد که از این تعداد ۳۹۶ نفر از مقطع راهنمایی و ۳۳۱ نفر از مقطع دبیرستان انتخاب شده‌اند. علاوه بر این از تعداد ۷۰۰ نفر نمونه آماری تعداد ۳۳۷ نفرشان دختر و تعداد ۳۶۳ نفر پسر هستند. برای تعیین حجم نمونه آماری از فرمول کوکران<sup>۱</sup>

$$N = \frac{\frac{(t)^2(pq)}{(d)^2}}{1 + \frac{1}{N} \left\{ \frac{(t)^2(pq)}{(d)^2} - 1 \right\}}$$

استفاده شده که بر مبنای محاسبات لازم ۳۸۴ نفر دانش‌آموز مقطع راهنمایی و ۳۸۴ دانش‌آموز مقطع متوسطه به عنوان نمونه انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌ها به تمامی افراد نمونه داده شد اما به علت اینکه تعدادی از دانش‌آموزان آن‌را تکمیل نکرده بودند در نهایت پس از حذف پرسش‌نامه‌های ناقص تعداد ۷۰۰ پرسش‌نامه کامل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

برای انتخاب نمونه مورد مطالعه در این تحقیق که دانش‌آموزان دو مقطع راهنمایی و متوسطه می‌باشند به‌طور کلی از شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای و طبقه‌ای استفاده شده است. ابتدا به صورت تصادفی از بین تمام شهرستان‌های استان کردستان سه شهر سقز و بانه و مریوان انتخاب شده‌اند بعد از آن از میان کل دانش‌آموزان این سه شهر ۷۰۰ نفرشان به صورت تصادفی در دو مقطع راهنمایی و دبیرستان و دو گروه دختر و پسر انتخاب گردیدند. برای انتخاب این تعداد ابتدا هر یک از این سه شهر به صورت طبقه‌ای به دو طبقه شمال و جنوب تقسیم شدند از آنجا که جمعیت افراد و تعداد مدارس در هر دو طبقه برابر بود، از هر طبقه چهار مدرسه (دو مدرسه راهنمایی دخترانه و پسرانه و دو مدرسه متوسطه دخترانه و پسرانه) انتخاب شدند. در واقع از مجموع ۶ طبقه، ۲۴ مدرسه به‌عنوان نمونه انتخاب گردید. سپس از هر مدرسه نیز یک کلاس به‌طور تصادفی انتخاب شد و پرسش‌نامه‌ها در میان آنان توزیع گردید. برای گردآوری اطلاعات در زمینه مصادیق مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان با توجه به مصادیق مهارت‌های زندگی در کشورهای دیگر و دیدگاه‌های متخصصان از روش اسنادی و سایر پایگاه‌های اطلاعاتی استفاده شد.

### ابزار پژوهش

برای مشخص کردن میزان آشنایی دانش‌آموزان با مهارت‌های زندگی از روش میدانی استفاده گردید. ابزار اندازه‌گیری اطلاعات در این مطالعه آزمون محقق ساخته ۵۰ سؤالی است. که بر حسب نیاز دارای سؤالات بسته پاسخ می‌باشد که از طریق مطالعه کتابخانه‌ای پیشینه‌ی موضوع طراحی گردید. پایایی آزمون براساس آلفای کرانباخ  $\alpha = 0.90$  و روایی آن نیز به شیوه روایی محتوا براساس نظر اساتید صاحب‌نظر در رشته‌های علوم تربیتی و روانشناسی محاسبه شد که مورد تأیید و رضایت آنان قرار گرفت. با توجه به اینکه ۵ مورد از مصادیق مهارت‌های زندگی در این تحقیق مد نظر بود از سؤال ۱ تا ۱۰ مهارت تصمیم‌گیری، از سؤال ۱۱ تا ۱۹ مهارت ارتباط انسانی، از سؤال ۲۰ تا ۲۹ مهارت شهروند جهانی بودن، از سؤال ۳۰ تا ۳۸ مهارت شهروند مسئول بودن و

از سؤال ۳۹ تا ۵۰ مهارت حل مسأله را مورد سنجش قرار می‌دهد. در نمره‌گذاری سؤالات به جواب‌های درست نمره «۱» به جواب‌های غلط نمره «صفر» اختصاص داده شده است. این تحقیق چون به دنبال مشخص نمودن میزان برخورداری دانش‌آموزان دوره‌های متوسطه و راهنمایی از مهارت‌های زندگی است، با توجه به ماهیت موضوع و اهدافش از نوع تحقیق پیمایشی<sup>۱</sup> است که می‌توان آن‌را در طبقه تحقیقات توصیفی قرار داد.

### یافته‌ها

جدول ۱: توزیع پراکندگی ابعاد مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان

شاخص‌ها					
ابعاد مهارت‌های زندگی	میانگین	انحراف معیار	دامنه	حداقل	حداکثر
تصمیم‌گیری	۶/۷۰۴۳	۱/۹۷۱۱	۱۰/۰۰	۰	۱۰/۰۰
ارتباط انسانی	۴/۴۷۲۹	۱/۶۹۸۵	۸/۰۰	۰	۸/۰۰
شهروند جهانی بودن	۶/۰۵۰۰	۲/۶۰۱۷	۱۰/۰۰	۰	۱۰/۰۰
شهروند مسئول بودن	۵/۳۷۰۰	۲/۴۸۰۶	۹/۰۰	۰	۹/۰۰
حل مسأله	۶/۹۴۴۳	۳/۲۶۴۹	۱۲/۰۰	۰	۱۲/۰۰

با توجه به مندرجات جدول ۱ مشاهده می‌گردد که میانگین برخورداری دانش‌آموزان از تصمیم‌گیری ۶/۷۰۴۳، میانگین برخورداری از ارتباط انسانی ۴/۴۷۲۹، میانگین برخورداری از شهروند جهانی بودن ۶/۰۵۰۰، میانگین برخورداری از شهروند مسئول بودن ۵/۳۷۰۰ و میانگین برخورداری از مهارت حل مسأله ۶/۹۴۴۳ می‌باشد.

سؤال پژوهشی ۱: دانش‌آموزان دوره راهنمایی تا چه اندازه از مهارت‌های زندگی (پنج مهارت: تصمیم‌گیری، ارتباط انسانی، شهروند جهانی بودن، شهروند مسئول بودن و حل مسأله) برخوردار هستند؟



جدول ۲: توزیع پراکندگی میزان برخورداری دانش‌آموزان دوره راهنمایی از مهارت‌های زندگی

شاخص‌ها					
ابعاد مهارت‌های زندگی	میانگین	انحراف معیار	دامنه	حداقل	حداکثر
تصمیم‌گیری	۶/۹۴۸۵	۲/۰۰۸۲	۱۰/۰۰	۰	۱۰/۰۰
ارتباط انسانی	۴/۴۷۹۷	۱/۶۲۵۳	۸/۰۰	۰	۸/۰۰
شهروند جهانی‌بودن	۶/۲۲۲۲	۲/۲۶۱۳	۱۰/۰۰	۰	۱۰/۰۰
شهروند مسئول‌بودن	۵/۷۶۱۵	۲/۲۵۳۶	۹/۰۰	۰	۹/۰۰
حل مسأله	۷/۰۸۴۰	۳/۰۶۱۲	۱۲/۰۰	۰	۱۲/۰۰

با ملاحظه جدول ۲ مشاهده می‌گردد که مهارت حل مسأله بالاترین میانگین و مهارت ارتباط انسانی پایین‌ترین میانگین را دارا می‌باشد.

سؤال پژوهشی ۲: دانش‌آموزان دوره دبیرستان تا چه اندازه از مهارت‌های زندگی (۵مهارت مذکور) برخوردار هستند؟

جدول ۳: توزیع پراکندگی میزان برخورداری دانش‌آموزان دوره دبیرستان از مهارت‌های زندگی

شاخص‌ها					
ابعاد مهارت‌های زندگی	میانگین	انحراف معیار	دامنه	حداقل	حداکثر
تصمیم‌گیری	۶/۴۳۲۰	۱/۸۹۵۱	۱۰	۰	۱۰
ارتباط انسانی	۴/۴۶۵۳	۱/۷۷۹۰	۸	۰	۸
شهروند جهانی‌بودن	۵/۸۵۸۰	۲/۹۲۶۵	۱۰	۰	۱۰
شهروند مسئول‌بودن	۴/۹۳۳۵	۲/۶۴۷۲	۹	۰	۹
حل مسأله	۶/۷۸۸۵	۳/۴۷۶۰	۱۲	۰	۱۲

با توجه به جدول ۳ ملاحظه می‌شود که مهارت حل مسأله بالاترین میانگین و ارتباط انسانی پایین‌ترین میانگین را دارا می‌باشد.

سؤال پژوهشی ۳: آیا میزان برخورداری دانش‌آموزان از مهارت‌های زندگی برحسب تحصیلات والدینشان متفاوت است؟ جهت پاسخ به این سؤال تأثیر تحصیلات پدر و مادر به صورت مستقل و تعاملی بر پنج مهارت زندگی دانش‌آموزان به طور جداگانه بررسی گردید.

جدول ۴: آزمون F برای بررسی تأثیر تعاملی تحصیلات پدر و مادر بر مهارت تصمیم‌گیری دانش‌آموزان

شاخص‌ها					
منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی (df)	مجذور میانگین	F	سطح معنی‌داری (Sig)
تحصیلات پدر	۱۰/۴۵۲	۵	۲/۰۹۰	۰/۵۳۰	۰/۷۵۳
تحصیلات مادر	۲۰/۰۲۰	۵	۴/۰۰۴	۱/۰۱۶	۰/۴۰۷
تعامل تحصیلات پدر و مادر	۶۶/۵۱۳	۲۳	۲/۸۹۲	۰/۷۳۴	۰/۸۱۳
خطا	۲۶۲۱/۸۱۳	۶۶۵	۳/۹۴۳		
کل	۳۴۱۳۰/۰۰۰	۶۶۹			

جدول ۵: آزمون F برای بررسی تأثیر تعاملی تحصیلات پدر و مادر بر مهارت برقراری ارتباط انسانی در دانش‌آموزان

شاخص‌ها					
منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی (df)	مجذور میانگین	F	سطح معنی‌داری (Sig)
تحصیلات پدر	۲/۳۱۲	۵	۰/۴۶۲	۰/۱۵۸	۰/۹۷۸
تحصیلات مادر	۱۸/۷۷۵	۵	۳/۷۵۵	۱/۲۸۴	۰/۲۶۹
تعامل تحصیلات پدر و مادر	۴۶/۲۴۵	۲۳	۲/۰۱۱	۰/۶۸۸	۰/۱۸۶۰
خطا	۱۹۴۴/۳۴۸	۶۶۵	۲/۹۲۴		
کل	۱۵۹۸۵/۰۰۰	۶۶۹			

جدول ۶: آزمون F برای بررسی تأثیر تعاملی تحصیلات پدر و مادر بر مهارت شهروند جهانی بودن در دانش‌آموزان

شاخص‌ها					
منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی (df)	مجذور میانگین	F	سطح معنی‌داری (Sig)
تحصیلات پدر	۴۶/۸۶۷	۵	۹/۳۷۳	۱/۳۹۶	۰/۲۲۴
تحصیلات مادر	۳۸/۷۸۶	۵	۷/۷۵۷	۱/۱۵۶	۰/۳۳۰
تعامل تحصیلات پدر و مادر	۱۸۷/۴۰۱	۲۳	۸/۱۴۸	۱/۲۱۴	۰/۲۲۴
خطا	۴۴۴۳/۵۹۳	۶۶۵	۶/۷۱۲		
کل	۳۰۲۷۲/۰۰۰	۶۶۹			

جدول ۷: آزمون F برای بررسی تأثیر تعاملی تحصیلات پدر و مادر بر مهارت شهروند مسئول در دانش‌آموزان

شاخص‌ها					
منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی (df)	مجذور میانگین	F	سطح معنی‌داری (Sig)
تحصیلات پدر	۶۰/۵۳۷	۵	۱۲/۱۰۷	۱/۹۹۲	۰/۰۷۸
تحصیلات مادر	۵۰/۰۴۴	۵	۱۰/۰۰۹	۱/۶۴۷	۰/۱۴۶
تعامل تحصیلات پدر و مادر	۱۹۵/۲۱۶	۲۳	۸/۴۸۸	۱/۳۹۴	۰/۱۰۳
خطا	۴۰۴۲/۱۴۱	۶۶۵	۶/۰۷۸		
کل	۲۴۴۲۳/۰۰۰	۶۶۹			

جدول ۸: آزمون F برای بررسی تأثیر تعاملی تحصیلات پدر و مادر بر مهارت حل مسأله دانش‌آموزان

شاخص‌ها					
منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی (df)	مجذور میانگین	F	سطح معنی‌داری (Sig)
تحصیلات پدر	۵۳/۰۴۱	۵	۱۰/۶۰۸	۰/۹۸۷	۰/۴۲۵
تحصیلات مادر	۴۷/۹۵۲	۵	۹/۵۹۰	۰/۸۹۳	۰/۴۸۵
تعامل تحصیلات پدر و مادر	۲۱۹/۲۹۲	۲۳	۹/۵۳۴	۰/۸۸۷	۰/۶۱۷
خطا	۷۱۴۴/۸۶۳	۶۶۵	۱۰/۷۴۴		
کل	۴۱۰۸۶/۰۰۰	۶۶۹			

با توجه به مندرجات جدول‌های ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ مشاهده می‌گردد که مهارت زندگی (پنج مهارت مذکور) دانش‌آموزان با تحصیلات پدر با سطوح معناداری ۰/۷۵ و ۰/۹۷ و ۰/۲۲ و ۰/۰۷ و ۰/۴۲ رابطه‌ی معنی‌داری ندارد. همچنین مهارت زندگی دانش‌آموزان با تحصیلات مادر با سطوح معناداری ۰/۴۰ و ۰/۲۶ و ۰/۳۳ و ۰/۱۴ و ۰/۴۸ رابطه‌ی معناداری ندارد. علاوه بر این مهارت زندگی دانش‌آموزان با تعامل تحصیلات پدر و مادر با سطح معناداری ۰/۸۱ و ۰/۸۶ و ۰/۲۲ و ۰/۱۰ و ۰/۶۱ رابطه‌ی معنی‌داری ندارد. پس می‌توان گفت که بین دانش‌آموزان از نظر تأثیر تعاملی تحصیلات والدین بر مهارت زندگی آنان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

سؤال پژوهشی ۴: آیا بین دانش‌آموزان دختر و پسر در میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی

تفاوتی وجود دارد؟

جدول ۹: آزمون T مستقل برای مقایسه دختران و پسران از نظر برخورداری از مهارت‌های زندگی

شاخص‌ها		Levenes آزمون		sig(2-tailed)	T	df	اختلاف خطای معیار	تفاوت میانگین	تعداد	مهارت‌های زندگی
فاصله اطمینان ۹۵٪		برابری واریانس‌ها								
۰/۰۲۸۱۴	۰/۶۰۸۸۰	۰/۰۰۱	۱/۱۹۱	۰/۰۳۲	۲/۱۵۴	۶۹۸	۱/۴۷۸۷	۰/۳۱۸۴۷	۷۰۰	تصمیم‌گیری
۰/۴۶۶۴۴	۰/۹۶۰۰۶	۰/۲۰۳	۱/۶۲۳	۰/۰۰	۵/۶۷۴	۶۹۸	۰/۱۲۵۷۱	۰/۷۱۳۲۵	۷۰۰	ارتباط انسانی
۰/۶۱۱۲۰	۰/۳۷۰۳۹	۰/۰۰۰	۳۲/۵۸۸	۰/۰۰	۵/۱۶۶	۶۹۸	۰/۱۹۳۳۴	۰/۹۹۰۸۰	۷۰۰	شهروند جهانی‌بودن
۱/۰۳۲۵۵	۱/۷۴۰۵۳	۰/۰۰۹	۶/۹۲۹	۰/۰۰	۷/۷۰۷	۶۹۸	۰/۱۸۰۳۰	۱/۳۸۶۵۴	۷۰۰	شهروند مسئول‌بودن
۱/۱۸۶۴۴	۲/۱۲۰۵۲	۰/۰۰۰	۵۹/۲۷۳	۰/۰۰	۷/۰۱۷	۶۹۸	۰/۲۳۷۸۷	۱/۶۵۳۴۹	۷۰۰	حل مسأله

با توجه به جدول ۹ مشاهده می‌شود که آ بدست آمده در مهارت تصمیم‌گیری ۲/۱۵۴ با سطح معنی‌داری ۰/۰۳۲، در مهارت ارتباط انسانی ۵/۶۷۴ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰، در مهارت شهروند جهانی‌بودن ۵/۱۶۶ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰، در مهارت شهروند مسئول‌بودن ۷/۷۰۷ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰ و در مهارت حل مسأله ۷/۰۱۷ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰ می‌باشد، از آنجا که سطح معنی‌داری در همه موارد کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد در جواب به سؤال پژوهشی می‌توان گفت که بین میزان برخورداری دانش‌آموزان دختر و پسر از مهارت‌های زندگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

سؤال پژوهشی ۵: آیا بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه و راهنمایی در میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی تفاوتی وجود دارد؟

جدول ۱۰: آزمون T مستقل برای مقایسه دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان از نظر برخورداری از مهارت‌های زندگی

شاخص‌ها		Levenes آزمون		sig(2-tailed)	T	df	اختلاف خطای معیار	تفاوت میانگین	تعداد	مهارت‌های زندگی
فاصله اطمینان ۹۵٪		برابری واریانس‌ها								
کرانه بالا	کرانه پایین	sig	F							
۰/۲۲۵۸۲	۰/۸۰۷۱۵	۰/۶۰۳	۰/۲۷۰	۰/۰۰۱	۳/۴۸۹	۶۹۸	۰/۱۴۸۰۴	۰/۵۱۴۴۹	۷۰۰	تصمیم‌گیری
۰/۱۳۸۲۱	۰/۲۶۷۰۵	۰/۱۲۴	۲/۳۷۷	۰/۹۱۱	۰/۱۱۲	۶۹۸	۰/۱۲۸۶۷	۰/۰۱۴۴۲	۷۰۰	ارتباط انسانی
۰/۰۰۷۲۳	۰/۷۵۵۶۶	۰/۰۰۰	۳۵/۷۳۴	۰/۰۰۸	۱/۸۲۷	۶۹۸	۰/۱۹۹۳۳	۰/۳۶۴۲۲	۷۰۰	شهروند جهانی‌بودن
۰/۴۶۰۹۷	۱/۱۹۵۰۰	۰/۰۰۰	۲۲/۲۲۹	۰/۰۰۰	۴/۴۳۰	۶۹۸	۰/۱۸۶۹۱	۰/۸۲۷۹۸	۷۰۰	شهروند مسئول‌بودن
۰/۱۸۰۸۰	۰/۷۹۱۵۹	۰/۰۰۰	۱۳/۴۰۶	۰/۲۱۸	۱/۲۳۳	۶۹۸	۰/۲۳۷۶۱	۰/۳۰۵۴۰	۷۰۰	حل مسأله

طبق جدول ۱۰ t بدست آمده در مهارت تصمیم‌گیری  $3/489$  با سطح معناداری  $0/001$ ، در مهارت ارتباط انسانی  $0/112$  با سطح معناداری  $0/911$ ، در مهارت شهروند جهانی بودن  $1/827$  با سطح معناداری  $0/068$ ، در مهارت شهروند مسئول بودن  $4/430$  با سطح معناداری  $0/000$  و در مهارت حل مسأله  $1/232$  با سطح معناداری  $0/218$  بدست آمده است، از آنجا که سطح معنی‌داری در دو مهارت تصمیم‌گیری و شهروندی مسئول کمتر از  $0/05$  می‌باشد در جواب به سؤال (۵) می‌توان گفت که بین میزان برخورداری دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان از مهارت‌های تصمیم‌گیری و شهروند مسئول تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

سؤال پژوهشی ۶: آیا بین رشته‌ی تحصیلی و میزان برخورداری دانش‌آموزان از مهارت‌های زندگی تفاوتی وجود دارد؟

جدول ۱۱: آزمون ANOVA برای بررسی تفاوت بین رشته‌های تحصیلی دوره متوسطه در مهارت‌های زندگی

شاخص‌ها					
Sig	F	مجدور میانگین	Df	مجموع مجدورات	مهارت‌های زندگی
0/011	3/736	13/182	3	39/547	بین گروهی
		3/504	327	1145/673	درون گروهی
		-	330	1185/221	کل
0/242	1/403	4/425	3	13/276	بین گروهی
		3/153	327	1031/075	درون گروهی
		-	330	1044/350	کل
0/000	16/075	121/083	3	363/249	بین گروهی
		7/532	327	2463/077	درون گروهی
		-	330	2826/326	کل
0/000	7/457	49/359	3	148/078	بین گروهی
		6/619	327	2164/459	درون گروهی
		-	330	2312/538	کل
0/000	10/177	113/499	3	340/496	بین گروهی
		11/152	327	3646/700	درون گروهی
		-	330	3986/196	کل

با توجه به جدول ۱۱ مقدار F در مهارت تصمیم‌گیری  $۳/۷۶۳$  و سطح معنی‌داری آن  $۰/۰۱۱$  در مهارت ارتباط انسانی  $۱/۴۰۳$  و سطح معناداری آن  $۰/۲۴۲$ ، در مهارت شهروند جهانی بودن  $۱۶/۰۷۵$  و سطح معناداری آن  $۰/۰۰۰$ ، در مهارت شهروند مسئول‌بودن  $۷/۴۵۷$  و سطح معناداری آن  $۰/۰۰۰$  و در مهارت حل مسأله  $۱۰/۱۷۷$  و سطح معناداری آن  $۰/۰۰۰$  می‌باشد. از آنجا که سطح معناداری F در مهارت‌های تصمیم‌گیری؛ شهروند جهانی‌بودن، شهروند مسئول‌بودن و حل مسأله کمتر از  $۰/۰۵$  می‌باشد می‌توان گفت که تفاوت معنی‌داری بین میزان برخورداری دانش‌آموزان رشته‌های علوم انسانی، ریاضی، تجربی و کار و دانش از مهارت‌های زندگی وجود دارد. اما در مهارت ارتباط انسانی سطح معناداری F بدست آمده بزرگتر از  $۰/۰۵$  می‌باشد ( $۰/۲۴$ ) بنابراین تفاوت معنی‌داری بین رشته‌های مقطع متوسطه در این مهارت وجود ندارد.

جدول ۱۲: آزمون تعقیبی (post hoc) برای مقایسه بین رشته‌های تحصیلی متوسطه با مهارت‌های زندگی LSD

شاخص‌ها				
Sig	تفاوت میانگین	رشته تحصیلی (J) Field	رشته تحصیلی (I) Field	متغیر وابسته
۰/۲۸۷	۰/۴۹۰۲	۲- تجربی		مهارت تصمیم‌گیری
۰/۱۰۷	۰/۷۴۱۵	۳- انسانی	۱- ریاضی	
۰/۵۷۷	-۰/۰۲۸۷۱	۴- کاردانش		
۰/۲۸۷	-۰/۴۹۰۲	۱- ریاضی		
۰/۲۷۳	۰/۲۵۱۳	۳- انسانی	۲- تجربی	
۰/۰۱۸	۰/۷۷۷۲	۴- کاردانش		
۰/۱۰۷	-۰/۷۴۱۵	۱- ریاضی		
۰/۲۷۳	-۰/۲۵۱۳	۲- تجربی	۳- انسانی	
۰/۰۰۲	-۱/۰۲۸۵	۴- کاردانش		
۰/۵۷۷	۰/۲۸۷۱	۱- ریاضی		
۰/۰۱۸	۰/۷۷۷۲	۲- تجربی	۴- کاردانش	
۰/۰۰۲	۱/۰۲۸۵	۳- انسانی		
۰/۸۱۸	۰/۱۵۵۱	۲- تجربی		مهارت شهروند جهانی بودن
۰/۰۰۰	۲/۲۲۹۰	۳- انسانی	۱- ریاضی	
۰/۹۹۹	۱/۱۹۶E-۰۳	۴- کاردانش		
۰/۸۱۸	-۰/۱۵۵۱	۱- ریاضی	۲- تجربی	
۰/۰۰۰	۲/۰۷۳۹	۳- تجربی		

۰/۷۴۸	- ۰/۱۵۳۹	۴- کاردانش		
۰/۰۰۱	-۲/۲۲۹۰	۱- ریاضی		
۰/۰۰۰	-۲/۰۷۳۹	۲- تجربی	۳- انسانی	
۰/۰۰۰	-۲/۲۲۷۸	۴- کاردانش		
۰/۹۹۹	E-۰۳	۱- ریاضی		
۰/۷۴۸	-۱/۱۹۶	۲- تجربی	۴- کاردانش	
	۰/۱۵۳۹			
۰/۰۰۰	۲/۲۲۷۸	۳- انسانی		
۰/۱۴۶	۰/۹۲۲۰	۲- تجربی		
۰/۰۰۱	۲/۰۲۸۰	۳- انسانی	۱- ریاضی	
۰/۴۳۵	۰/۵۵۱۴	۴- کاردانش		
۰/۱۴۶	-۰/۹۲۰۴	۱- ریاضی		
۰/۰۰۰	۱/۱۰۷۶	۳- تجربی	۲- تجربی	
۰/۴۱۱	۰/۳۶۹۰	۴- کاردانش		مهارت‌شهروند
۰/۰۰۱	-۲/۰۲۸۰	۱- ریاضی		مسئول بودن
۰/۰۰۰	-۱/۱۰۷۶	۲- تجربی	۳- انسانی	
۰/۰۰۱	-۱/۴۷۶۶	۴- کاردانش		
۰/۴۳۵	-۰/۵۵۱۴	۱- ریاضی		
۰/۴۱۱	۰/۳۶۹۰	۲- تجربی	۴- کاردانش	
۰/۰۰۱	۱/۴۷۶۶	۳- انسانی		
۰/۴۱۸	۰/۶۶۴۱	۲- تجربی		
۰/۰۰۴	۲/۳۶۵۰	۳- انسانی	۱- ریاضی	
۰/۸۰۴	-۰/۲۲۷۳	۴- کاردانش		
۰/۴۱۸	-۰/۶۶۴۱	۱- تجربی		
۰/۰۰۰	-۱/۷۰۰۸	۳- انسانی	۲- تجربی	
۰/۱۲۷	-۰/۸۹۱۴	۴- کاردانش		مهارت حل مسأله
۰/۰۰۴	-۲/۳۶۵۰	۱- ریاضی		
۰/۰۰۰	-۱/۷۰۰۸	۲- تجربی	۳- انسانی	
۰/۰۰۰	-۲/۵۹۲۲	۴- کاردانش		
۰/۸۰۴	۰/۲۲۷۳	۱- ریاضی		
۰/۱۲۷	۰/۸۹۱۴	۲- تجربی	۴- کاردانش	
۰/۰۰۰	۲/۵۹۲۲	۳- کاردانش		

مطابق جدول ۱۲ تفاوت میانگین‌ها در مهارت تصمیم‌گیری - مهارت شهروند جهانی بودن مهارت شهروند مسئول بودن و مهارت حل مسأله بین رشته‌های مختلف مشاهده می‌گردد. پس باتوجه به اینکه سطح معنی‌داری در تمامی موارد فوق کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان گفت که تفاوت معناداری بین موارد مذکور وجود دارد و در مورد مهارت ارتباط انسانی بین رشته‌های مختلف تفاوتی دیده نمی‌شود.

جدول ۱۳: توزیع پراکندگی میزان آشنایی دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه با مهارت‌های زندگی به تفکیک جنسیت

شاخص‌ها						
مقطع تحصیلی	مهارت‌ها	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	
راهنمایی	تصمیم‌گیری	زن	۱۸۶	۷/۰۹۶۸	۱/۷۴۳۳	
		مرد	۱۸۳	۶/۷۹۷۸	۱/۲۴۰۴	
	ارتباط انسانی	زن	۱۸۶	۴/۷۸۴۹	۱/۵۰۲۱	
		مرد	۱۸۳	۴/۱۶۹۴	۱/۶۸۹۹	
	شهروند جهانی بودن	زن	۱۸۶	۶/۷۴۱۹	۲/۰۱۸۳	
		مرد	۱۸۳	۵/۶۹۴۰	۲/۳۷۵۳	
	شهروند مسئول بودن	زن	۱۸۶	۶/۵۷۵۳	۲/۰۵۲۶	
		مرد	۱۸۳	۴/۹۳۴۴	۲/۱۴۹۹	
	حل مسأله	زن	۱۸۶	۷/۹۵۱۶	۲/۳۸۳۰	
		مرد	۱۸۳	۶/۲۰۲۲	۳/۴۰۹۴	
	دبیرستان	تصمیم‌گیری	زن	۱۵۱	۶/۵۸۹۴	۱/۸۴۱۳
			مرد	۱۸۰	۶/۳۰۰۰	۱/۹۳۴۴
ارتباط انسانی		زن	۱۵۱	۴/۹۱۳۹	۱/۷۵۸۶	
		مرد	۱۸۰	۴/۰۸۸۹	۱/۷۱۱۹	
شهروند جهانی بودن		زن	۱۵۱	۶/۳۴۴۴	۲/۵۰۸۸	
		مرد	۱۸۰	۵/۴۵۰۰	۳/۱۸۵۶	
شهروند مسئول بودن		زن	۱۵۱	۵/۴۹۰۱	۲/۴۶۸۱	
		مرد	۱۸۰	۴/۴۶۶۷	۲/۷۰۸۲	
حل مسأله		زن	۱۵۱	۷/۶۰۲۶	۳/۱۰۰۷	
		مرد	۱۸۰	۶/۱۰۵۶	۳/۶۳۱۶	



با توجه به مندرجات جدول ۱۳ بالاترین میانگین در دوره راهنمایی براساس سطح شاخص متوسط (۵۰٪) مربوط به دختران و در مهارت تصمیم‌گیری و حل مسأله می‌باشد و پایین‌ترین میانگین در این دوره مربوط به پسران و در مهارت ارتباط انسانی است. بالاترین میانگین در دوره دبیرستان نیز مربوط به دختران و در مهارت حل مسأله و تصمیم‌گیری می‌باشد و پایین‌ترین میانگین مربوط به پسران و در مهارت ارتباط انسانی است. بطور کلی در هر دو دوره بالاترین میانگین متعلق به دختران و در مهارت تصمیم‌گیری و حل مسأله است و پایین‌ترین میانگین نیز مربوط به پسران و در مهارت ارتباط انسانی می‌باشد.

جدول ۱۴: آزمون T برای مقایسه دانش‌آموزان دختر و پسر به تفکیک مقطع تحصیلی از نظر میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی

شاخص‌ها					مقطع تحصیلی	مهارت‌ها
آزمون T برای برابری میانگین		آزمون Levene برای برابری واریانس‌ها				
Sig (2-tailed)	df	T	Sig	F		
۰/۱۵۳	۳۶۷	۱/۴۲۳	۰/۰۱۰	۶/۶۳۱	تصمیم‌گیری	
۰/۰۰۰	۳۶۷	۳/۷۰۰	۰/۰۹۹	۲/۷۴۲	ارتباط انسانی	
۰/۰۰۰	۳۶۷	۴/۵۷۰	۰/۰۰۷	۷/۳۴۱	شهروند جهانی بودن	راهنمایی
۰/۰۰۰	۳۶۷	۷/۴۹۹	۰/۱۰۸	۲/۵۹۳	شهروند مسئول بودن	
۰/۰۰۰	۳۶۷	۵/۷۲۱	۰/۰۰۰	۵۲/۸۲۲	حل مسأله	
۰/۱۶۷	۳۲۹	۱/۳۸۶	۰/۱۹۲	۱/۷۰۵	تصمیم‌گیری	
۰/۰۰۰	۳۲۹	۴/۳۱۳	۰/۸۴۶	۰/۰۳۸	ارتباط انسانی	
۰/۰۰۵	۳۲۹	۲/۷۹۸	۰/۰۰۰	۲۶/۹۰۵	شهروند جهانی بودن	دبیرستان
۰/۰۰۰	۳۲۹	۳/۵۶۵	۰/۰۲۴	۵/۱۳۹	شهروند مسئول بودن	
۰/۰۰۰	۳۲۹	۳/۹۹۰	۰/۰۰۱	۱۱/۲۴۷	حل مسأله	

مطابق جدول ۱۴ در مقطع راهنمایی تنها در مهارت تصمیم‌گیری سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۱۵۳) در سایر مهارت‌ها سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین می‌توان گفت که فقط در مهارت تصمیم‌گیری در دوره راهنمایی بین دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود ندارد در سایر مهارت‌ها تفاوت معنی‌دار است. در مقطع دبیرستان نیز تنها در مهارت تصمیم‌گیری سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد (یعنی ۰/۱۶۷) در سایر مهارت‌ها سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و

کتر از آن می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که به غیر از مهارت تصمیم‌گیری در سایر مهارت‌ها بین دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه‌ی بررسی میزان برخورداری دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه از مهارت‌های زندگی نشان داد که بالاترین میانگین مربوط به مهارت حل مسئله و پایین‌ترین میانگین مربوط به مهارت ارتباط انسانی است. به‌طور کلی نتیجه گرفته می‌شود که نظام آموزشی کشور در زمینه‌ی آشنایی دانش‌آموزان با مهارت ارتباط انسانی ضعیف عمل کرده است. این یافته با نتایج مطالعات رمضانخانی و سیاری (۱۳۷۸)، فرزام‌نیا (۱۳۸۱) و ذوالفقاری و همکاران (۱۳۷۲) همسو می‌باشد. مهارت ارتباط انسانی از مؤلفه‌های هوش هیجانی است که سبک و شیوه تعامل فرد را با خود و دیگران تحت تأثیر قرار می‌دهد (گلمن، ۱۳۸۰). به نظر می‌رسد عدم توجه کافی به هوش هیجانی در نظام آموزشی و همچنین شرایط فرهنگی و اجتماعی یکی از علل فقدان مهارت ارتباط انسانی در دانش‌آموزان است. به نظر می‌رسد در دوره راهنمایی دانش‌آموزان با توجه به رویکردی که اخیراً به صورت مسئله محوری و یا حل مسئله در نظام آموزشی آغاز شده با مهارت تصمیم‌گیری حل مسئله در حد توان و رشد خود نسبتاً آشنا هستند اما تغییرات عمیق فرهنگی و شرایط اجتماعی و خلأهای تعلیم و تربیت در خصوص مهارت ارتباط انسانی باعث شده که دانش‌آموزان در این مهارت تا حدودی ضعیف به نظر برسند. نتایج به‌دست آمده در مورد سؤال پژوهشی ۲ نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دوره دبیرستان بیشترین آشنایی را با مهارت تصمیم‌گیری و حل مسئله دارند و کمترین آشنایی را با مهارت ارتباط انسانی دارند. به نظر می‌رسد برخورداری ضعیف دانش‌آموزان دبیرستانی از مهارت ارتباط انسانی به خاطر شرایط رشد آنان و همچنین تغییر و تحولات فرهنگی و محدودیت‌ها و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی در خصوص ارتباط باشد. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش محسن‌پور (۱۳۷۷)، نیک‌پرور (۱۳۸۲) و میرزاده (۱۳۸۱) همسویی دارد. علاوه بر این تئوری‌ها و تحقیقات موجود نشان می‌دهند که برخورداری از مهارت همدلی دانش‌آموزان و معلمان را در برقراری ارتباط انسانی و سازنده یاری می‌نماید که فقدان مهارت همدلی نیز می‌تواند علت ضعف دانش‌آموزان در برقراری ارتباط انسانی باشد. معرفت‌نیا (۱۳۸۴) در پژوهش خود نتیجه گرفت که الگوها و روش‌های نامناسب تدریس و ارزشیابی، عدم ارتباط بین خانه و مدرسه در پایین بودن سطح مهارت‌های زندگی مؤثر هستند. الگوهای یاددهی -

یادگیری سنتی و معلم‌مدار و جایگاه خالی الگوهای مبتنی بر دیدگاه‌های انسان‌گرایی و یادگیری اجتماعی در نظام آموزشی می‌تواند یکی از علل اساسی ضعف دانش‌آموزان در مهارت ارتباط انسانی باشد. نتایج به‌دست آمده در مورد سؤال پژوهشی ۳ نشان می‌دهد که مهارت تصمیم‌گیری دانش‌آموزان با تحصیلات پدر و مادر هم به شیوه‌ی تعاملی و هم به شیوه‌ی غیرتعاملی رابطه معنی‌دار ندارد. در خصوص مهارت ارتباط انسانی نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که مهارت ارتباط انسانی در دانش‌آموزان با تحصیلات پدر و مادر هم به شیوه‌ی تعاملی و هم به شیوه‌ی غیرتعاملی رابطه معنی‌دار ندارد. در مورد مهارت شهروندی جهانی و مهارت شهروندی مسئول نیز به همین طریق نتایج نشان داد که تحصیلات پدر و مادر هم به شیوه‌ی تعاملی و هم به شیوه غیرتعاملی رابطه‌ی معنی‌داری با این مهارت‌ها ندارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که آشنایی با مهارت حل مسئله در میان تمامی دانش‌آموزان نمونه آماری رابطه‌ی معنی‌داری با تحصیلات پدر و مادر هم به شیوه تعاملی و هم به شیوه‌ی غیرتعاملی ندارد. به طور کلی می‌توان گفت که بین دانش‌آموزان از نظر تأثیر تعاملی تحصیلات والدینشان بر مهارت‌های زندگی آنان (پنج مهارت مورد بررسی) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این یافته با نتایج مطالعه رحیمی (۱۳۸۳) همسو و با نتایج تحقیقات براون و کراس ۱۹۹۷ (به نقل از عابدینی، ۱۳۸۳) غیر همسو می‌باشد. به احتمال زیاد آشنایی با مهارت‌های زندگی بیشتر متأثر از متغیرهای دیگر است.

نتایج به‌دست آمده در مورد سؤال ۴ نشان می‌دهد که بالاترین میانگین مربوط به دختران، و در مهارت تصمیم‌گیری و حل مسئله می‌باشد. پایین‌ترین میانگین مربوط به پسران، و در مهارت ارتباط انسانی می‌باشد. به‌طور کلی هر دو گروه دختر و پسر در مهارت ارتباط انسانی پایین‌ترین میانگین را به‌دست آورده و به تفکیک جنسیت نیز بالاترین میانگین دختران در مهارت تصمیم‌گیری و حل مسئله و پایین‌ترین میانگین آنان در ارتباط انسانی می‌باشد. همچنین بالاترین میانگین پسران در مهارت تصمیم‌گیری و حل مسئله و پایین‌ترین میانگین آنان در مهارت ارتباط انسانی می‌باشد. در مقایسه‌ی دو گروه دختر و پسر از نظر میزان برخورداری از مهارت‌های زندگی از طریق آزمون T مستقل نتایج به‌دست آمده حاکی از این است که سطح معنی‌داری  $t$  به‌دست آمده در تمامی موارد کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که بین میزان برخورداری دختران و پسران از مهارت‌های زندگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این یافته با نتایج مطالعه ذوالفقاری و همکاران (۱۳۷۲)، رمضانخانی و سیاری (۱۳۷۹) و فرزام‌نیا (۱۳۸۱) همسو می‌باشد. در همه مهارت‌ها میزان آشنایی دختران بالاتر از پسران است. به نظر می‌رسد این موضوع به خاطر موضوع اجتماعی شدن

دختران و خصوصیات شخصیتی آنها باشد. نتایج به‌دست آمده در مورد سؤال ۵ نشان می‌دهد براساس سطح شاخص متوسط (۵۰٪) برخورداری دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه از مهارت ارتباط انسانی پایین‌تر از سطح شاخص متوسط می‌باشد، اما در مهارت‌های دیگر نتایج نشان می‌دهد که میزان برخورداری آنان در حد بالای متوسط می‌باشد. دانش‌آموزان هر دو مقطع در بین مهارت‌های پنج‌گانه مورد بررسی (تصمیم‌گیری، ارتباط انسانی، شهروند جهانی، شهروندی مسئول و حل مسئله) بیشترین برخورداری را در مهارت تصمیم‌گیری نشان داده‌اند. به‌طوری که میانگین آنان در این مهارت بالاتر از سایر مهارت‌ها می‌باشد. در مقایسه دو گروه راهنمایی و دبیرستانی از طریق آزمون T مستقل نتایج به‌دست آمده حاکی از این است که سطح معناداری در دو مهارت تصمیم‌گیری و شهروندی مسئول کمتر از ۵۰٪ می‌باشد و در سایر مهارت‌ها سطح معناداری بالای ۰/۰۵ است بنابراین تفاوت دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه در برخورداری از دو مهارت تصمیم‌گیری و شهروندی مسئول معنی‌دار است. اما تفاوت آنان در مهارت‌های ارتباط انسانی، شهروند جهانی و حل مسئله معنی‌دار نیست. این یافته با یافته‌ی پژوهش حمیدی (۱۳۸۴) و الیاس و همکاران ۱۹۸۶ (به نقل از حمیدی ۱۳۸۴) همسو می‌باشد. کاربرد نظریه‌ی یادگیری اجتماعی، نظریه مازلو و هوش هیجانی در فرایند یاددهی - یادگیری تأثیر بسزایی در یادگیری مهارت‌های زندگی از جمله مهارت ارتباط انسانی دارد. تا آنجا که برنامه‌ی آموزش مهارت‌های زندگی عمدتاً بر مبنای یادگیری اجتماعی بنا شده است (سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۴). وود (۱۳۷۹) معتقد است مهارت‌های ارتباطی و بین‌فردی وجه مشترک در همه نیازها است به‌عبارت دیگر مهارت در برقراری ارتباط صحیح با دیگران بسیاری از نیازهای اساسی را برطرف می‌کند که این موضوع اشاره به کاربرد نظریه‌ی مازلو در آموزش مهارت‌های زندگی علی‌الخصوص مهارت ارتباط انسانی دارد. هوش هیجانی نیز از آنجا که دارای مؤلفه‌ها و عناصری است که جزء مصادیق مهارت‌های زندگی محسوب می‌شوند، می‌تواند بسیاری از ضعف‌های دانش‌آموزان را در صورت به‌کارگیری در نظام آموزشی مرتفع سازد. نتایج به‌دست آمده در مورد سؤال ۶ نشان می‌دهد که سطح معناداری F به‌دست آمده در آزمون ANOVA در مهارت‌های تصمیم‌گیری، شهروند جهانی بودن و شهروندی مسئول و حل مسئله در بین رشته‌های ریاضی، تجربی، انسانی و کاردانش کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. (۰/۰۰۰) بنابراین تفاوت معنی‌داری بین دانش‌آموزان رشته‌های مذکور در مهارت‌های نامبرده وجود دارد. اما در مهارت ارتباط انسانی سطح معناداری F به‌دست آمده بزرگتر از ۰/۰۵ است پس می‌توان گفت که تفاوت معنی‌داری در این مهارت بین رشته‌های

تحصیلی مقطع متوسطه وجود ندارد. نتایج آزمون تعقیبی (Follow-up) انجام شده در ادامه آزمون F برای مشخص کردن تفاوت مهارت‌ها در رشته‌های مختلف نشان می‌دهد که در مهارت تصمیم‌گیری بین دو رشته‌ی تجربی و کاردانش و بین انسانی و کاردانش تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در مهارت شهروند جهانی بودن بین رشته‌ی ریاضی و انسانی، بین تجربی و انسانی و بین انسانی و کاردانش تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در مهارت شهروندی مسئول بین رشته‌ی ریاضی و انسانی، بین تجربی و انسانی و بین انسانی و کاردانش تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در مهارت حل مسأله بین رشته‌ی ریاضی و انسانی، بین تجربی و انسانی و بین انسانی و کاردانش تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

در خصوص مهارت ارتباط انسانی تفاوت معنی‌داری بین رشته‌های مختلف وجود ندارد. به نظر می‌رسد تفاوت دروس و مواد آموزشی و الگوها و روش‌های تدریس و ارزشیابی متفاوت به تبع تفاوت دروس و موضوعات باعث شده که دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تفاوت معناداری در مهارت‌های زندگی با هم داشته باشند. ویژگی‌های رشد در دوره دبیرستان و پیامدها و چالش‌های فراوان آن بشدت نیازمند توجه نظام آموزشی به مهارت‌های زندگی می‌باشد. بنابراین می‌طلبد که نظام آموزشی ما چه به صورت رسمی و صریح و چه به صورت ضمنی سازوکاری مناسب جهت ایجاد مهارت زندگی در دانش‌آموزان تدارک ببیند که لازمه این امر توجه به تربیت معلمان آگاه و توانا در این خصوص می‌باشد. زیرا ممکن است اهداف آموزش و پرورش کشور به‌طور کلی بسیاری از مهارت‌های زندگی را در خود داشته باشد اما عملاً هنگام اجرای برنامه‌های درسی و فرایند یاددهی - یادگیری به‌علت تخصص معلمان و عوامل آموزشی چه بسا در جهت عکس آموزش مهارت‌های زندگی اقدام می‌گردد. یافته‌ی نهایی این تحقیق که یک یافته‌ی جانبی نیز می‌باشد و در خصوص تفاوت میزان برخورداری دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و متوسطه از مهارت‌های زندگی به تفکیک جنسیت به‌دست آمده نشان می‌دهد که دختران راهنمایی بالاترین نمره را در مهارت تصمیم‌گیری و حل مسأله و پایین‌ترین نمره را در ارتباط انسانی کسب نموده‌اند. همچنین نمره دختران در دوره راهنمایی در تمامی مهارت‌ها بالاتر از نمره پسران است بالاترین نمره پسران راهنمایی براساس شاخص متوسط مربوط به مهارت تصمیم‌گیری است، غیر از مهارت ارتباط انسانی در تمامی مهارت‌ها نمره آنان بالاتر از سطح متوسط است. در دوره دبیرستان بالاترین نمره دختران در مهارت‌ها مربوط به مهارت حل مسأله و پایین‌ترین نمره مربوط به مهارت ارتباط انسانی است. در پسران دوره دبیرستان نیز بالاترین نمره در مهارت تصمیم‌گیری و

پایین‌ترین نمره در مهارت ارتباط انسانی می‌باشد. در ادامه آزمون T مستقل در این خصوص نشان داد که در مقطع راهنمایی بین پسران و دختران تنها در مهارت تصمیم‌گیری تفاوتی وجود ندارد بلکه در سایر مهارت‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در دوره دبیرستان نیز به همین ترتیب فقط در مهارت تصمیم‌گیری بین دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، در سایر مهارت‌ها تفاوت معنی‌داری بین دختران و پسران وجود دارد. این یافته با نتایج مطالعه ذوالفقاری و همکاران (۱۳۷۲)، رضانخانی و سیاری (۱۳۷۹) و فرزام‌نیا (۱۳۸۱) همسو می‌باشد. نظام آموزشی با توجه به پیچیدگی‌ها و چالش‌های نوینی که دامنگیر حوزه تعلیم و تربیت نیز شده است ناگزیر است اهداف، روش‌ها و سایر عناصر تعلیم و تربیت را واریسی نموده و متناسب با نیازهای مقاطع مختلف تحصیلی، جنسیت، توانایی‌های دانش‌آموزان، مسایل زندگی، واقعیت‌های موجود و چشم‌اندازهای منطقی مهارت‌های لازم را به‌منظور زندگی سازگارانه دانش‌آموزان در این شرایط، بیشتر از پیش مد نظر قرار دهد.

به صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان در برنامه‌های درسی دوره راهنمایی و متوسطه پیشنهاد می‌شود:

- ۱- دروس و موضوعات مبتنی بر مهارت‌های زندگی را چه به‌طور صریح و چه به‌طور ضمنی و متناسب با شرایط رشد دانش‌آموزان، بیشتر از وضعیت فعلی مورد توجه و تأکید قرار دهند.
- ۲- از آنجا که در مهارت ارتباط انسانی دانش‌آموزان دختر و پسر هر دو دوره ضعیف می‌باشند پیشنهاد می‌شود که آموزش‌های ویژه‌ای در خصوص مهارت‌های ارتباطی به صورت برنامه‌های فوق‌العاده با جانی در نظر گرفته شود.
- ۳- با توجه به تفاوت دانش‌آموزان دو مقطع راهنمایی و متوسطه در میزان آشنایی با مهارت‌های تصمیم‌گیری و شهروندی مسئول پیشنهاد می‌گردد که برنامه‌های مناسبی برای آموزش این دو مهارت تدارک دیده شود.
- ۴- از آنجا که در بیشتر موارد بررسی شده، میزان برخورداری دانش‌آموزان پسر از مهارت‌های زندگی کمتر از دختران است، پیشنهاد می‌گردد که متناسب با ویژگی‌های جنسیتی دانش‌آموزان، موضوع آموزش مهارت‌های زندگی در فرآیند تعلیم و تربیت مورد توجه نظام آموزشی قرار بگیرد.
- ۵- با توجه به اینکه دانش‌آموزان در مهارت ارتباط انسانی ضعیف هستند، به معلمان مقاطع تحصیلی پیشنهاد می‌شود از به‌کارگیری رویکردهای آمرانه، مستبدانه، سنتی، معلم محور

غیرعلمی در فرایند یاددهی - یادگیری پرهیز نموده و در مقابل از رویکردهای فعال، مشارکتی، گروهی و فراگیر محور و یادگیری محور استفاده نمایند.

### منابع فارسی

- احقر، ق. (۱۳۸۲). بررسی تأثیر عوامل آموزشگاهی در میزان سازش یافتگی اجتماعی، عاطفی و آموزش دانش‌آموزان مقطع ابتدایی سراسر کشور. *علوم روانشناختی دوره دوم شماره ۷*.
- ادیب، ی. (۱۳۸۲). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی مهارت‌های زندگی برای دوره راهنمایی تحصیلی. رساله دکتر، دانشگاه تربیت مدرس.
- ادیب، ی و فردانش، ه. (۱۳۸۲). مهارت‌های زندگی مورد نیاز دانش‌آموزان مقطع راهنمایی. *دوماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، سال دهم، شماره ۳*.
- بابادی، ا. (۱۳۸۰). تدوین و هنجاریابی آزمون مهارت‌های زندگی پایه پنجم شهر تهران.
- حمیدی، ف. (۱۳۸۴). بررسی میزان اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر دختران نوجوان مناطق محروم کشور در اردوهای تابستانی. *مجله مطالعات زنان، سال ۳، شماره ۷*.
- دلور، ژ. (۱۳۷۵). یادگیری گنج درون (نکته‌های برجسته). ترجمه: فقیهی و علی رئوف. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، تک‌نگاشت ۴.
- ذوالفقاری، ف و همکاران. (۱۳۷۲). بررسی مقدماتی انواع استرس و راهبردهای مقابله‌ای در نوجوانان تهران. *انستیتوروانپزشکی، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*.
- رحیمی، ا. (۱۳۸۳). کیفیت زندگی نوجوانان؛ کیفیت زندگی (۲). مرکز مطالعات کیفیت زندگی.
- رمضانخانی، ع و سیاری، ع. ا. (۱۳۷۸). بررسی وضعیت آموزش مهارت‌های زندگی در تخصصی نظام آموزش و پرورش. گزارش یونیسف در ایران و دفتر مطالعات بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش.
- عابدینی، ی. (۱۳۸۳). رابطه موفقیت تحصیلی، راه‌های مقابله با تنیدگی و جایگاه اجتماعی - اقتصادی در نوجوانان دختر. *مجله روانشناسی، سال ۷، شماره یک*.
- فرزام‌نیا، م. (۱۳۸۱). بررسی و شناسایی نقش عوامل درون سازمانی در کسب مهارت‌های زندگی. گزارش تحقیق، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان گلستان.
- کرامتی، م. (۱۳۸۲). یادگیری مشارکتی. مشهد: انتشارات آیین تربیت.

- کلینه، ک. ا. (۱۳۸۲). مهارت‌های زندگی، تکنیک‌های مقابله با اضطراب، افسردگی، تنهایی، کم‌رویی، شکست ... ترجمه: شهرام محمدخانی. تهران: انتشارات اسپندهر.
- گلمن، د. (۱۳۸۰). هوش هیجانی. ترجمه: نسرين پارسا، تهران: انتشارات رشد.
- محسن پور، ب. (۱۳۷۷). نقش یونسکو در تفاهم فرهنگی میان ملل، مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت. انتشارات انجمن ایرانی تعلیم و تربیت، شماره ۹ و ۱۰.
- معرفت‌نیا، ق. (۱۳۸۴). تأثیر روش‌های فعال و سنتی تدریس بر نوع یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوم هنرستان در درس مبانی برق با تأکید بر بازده‌های یادگیری گانه در شهرستان ارومیه در سال ۸۴-۸۳ پای‌ان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- میوزاده، م. ح. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر پایین‌بودن سطح مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان ابتدایی از نظر معلمان و اولیای دانش‌آموزان ابتدایی تبریز. گزارش تحقیق، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی.
- میرمحمدی، ز. (۱۳۸۴). تأثیر مهارت‌های زندگی بر بهداشت روان. دو هفته‌نامه نگاه به رویدادهای آموزش و پرورش، شماره ۲۵۵ نیمه اول شهریورماه.
- نیک پرور، ر. (۱۳۸۳). مهارت‌های زندگی. معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.
- وود، ج. (۱۳۷۹). ارتباطات میان فردی، ترجمه: مهرداد فیروزبخت، انتشارات مهتاب.

#### منابع انگلیسی

- Bornstein, M. H. (2003). Well – being positive development across the life course. *Mahawah: lawrence Erlbaum*.
- Dumas, M. (1999). Document of life skills. Available at: <http://savy search. com>.
- Goleman, D. (1995). Emotional intelligence. *NewYork: Bantam Books*.
- Kraizer, S. K. (1990). Skills For living: the requirement of the 905. *Adolescent painting life skills for children. Eric No: Ed 391116*.
- Lynch, J. (1992). Education for citizenship in a multicultural society. *London: Silkoat Image*.
- Nurmi, J. E. (1997). Self – definition and mental health during adolescence and young adulthood. *Health risks and*



*developmental transitions duringado licence. Cambridge University Press.*

**Picklesimer, B. K. & Penise R. H. (1998).** Life skills, and career choices. *Journal of Mental Health Counseling, Vol 17, No2.*

**Pittman, K. (1991).** Promoting youth development academy for educational development. *Washington: London Publication.*

**Stantion, G. et al. (1980).** Developing social and life skills, *Eric No: Ed 217125.*

**Texas Education Agency (1997).** Skills for life. Teachers Resource materials. *Eric No: Ed 410450.*

**World Health Organization (1994).** The development and dissemination of life skills education: An overview. *Geneva: Division of Mental Health, World Health Organization.*





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی